

به نام خدا

مدرسه فراگیر: ایجاد محیط های خوشایند و حمایت کننده

مولفان :

شهین بهرامی محمد آبادی

رضا صادقی

لیلی فولادی

لیلا بهرامی محمد آبادی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: بهرامی محمد آبادی، شهین، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور: مدرسه فراگیر: ایجاد محیط های خوشایند و حمایت کننده/ مولفان شهین بهرامی
محمد آبادی، رضا صادقی، لیلی فولادی، لیلا بهرامی محمد آبادی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۹۸۲-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: مدرسه فراگیر- ایجاد محیط های خوشایند و حمایت کننده
شناسه افزوده: صادقی، رضا، ۱۳۷۵
شناسه افزوده: فولادی، لیلی، ۱۳۵۴
شناسه افزوده: بهرامی محمد آبادی، لیلا، ۱۳۵۳
رده بندی کنگره: PN۲۱۸۸
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۴۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۹۰۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: مدرسه فراگیر: ایجاد محیط های خوشایند و حمایت کننده
مولفان: شهین بهرامی محمد آبادی - رضا صادقی - لیلی فولادی - لیلا بهرامی محمد آبادی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۴۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۹۸۲-۴
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	فصل اول.....
۷.....	مبانی آموزش فراگیر.....
۷.....	درک شمول: مفاهیم و اصول.....
۹.....	دیدگاه های تاریخی: تحول آموزش فراگیر.....
۱۲.....	چارچوب های قانونی و سیاست های حمایت کننده از شمول.....
۱۴.....	چارچوب های نظری برای ایجاد مدارس فراگیر.....
۱۶.....	مزایای آموزش فراگیر برای همه دانش آموزان.....
۱۹.....	غلبه بر چالش های رایج در اجرای شمول.....
۲۱.....	ایجاد حمایت جامعه برای اقدامات فراگیر.....
۲۴.....	راهبردهای پژوهش محور برای ترویج شمول.....
۲۷.....	فصل دوم.....
۲۷.....	پرورش فرهنگ تعلق.....
۲۷.....	پرورش حس تعلق در بین دانش آموزان.....
۲۹.....	ایجاد محیط های آموزشی ایمن و حمایتی.....
۳۲.....	ارتقای یادگیری و رفاه اجتماعی-عاطفی.....
۳۴.....	مقابله با قلدری و تبعیض در مدارس.....
۳۵.....	تجلیل از تنوع و شایستگی فرهنگی.....
۳۸.....	ایجاد روابط مثبت بین دانشجویان و کارکنان.....

۴۰	توانمندسازی صدای دانشجو و رهبری
۴۳	ارزیابی و بهبود فضای مدرسه برای فراگیری
۴۷	فصل سوم.....
۴۷	طراحی جهانی برای یادگیری (UDL).....
۴۷	درک اصول طراحی جهانی برای یادگیری
۴۹	کاربرد UDL در طراحی و آموزش برنامه درسی
۵۱	آموزش متمایز کننده برای برآوردن نیازهای متنوع یادگیرنده
۵۳	استفاده از فناوری برای افزایش پیاده سازی UDL
۵۵	ارائه ابزارهای متعدد مشارکت، نمایندگی و بیان
۵۷	ارزیابی یادگیری دانش آموز در چارچوب UDL
۶۰	توسعه حرفه ای برای پیاده سازی UDL
۶۲	مطالعات موردی: کاربرد موفق UDL در مدارس فراگیر
۶۵	فصل چهارم.....
۶۵	آموزش مشارکتی و کار گروهی.....
۶۵	اهمیت همکاری در آموزش فراگیر
۶۷	مدل ها و رویکردهای تدریس مشترک
۷۰	ایجاد تیم های مشارکتی موثر
۷۲	برنامه ریزی و هماهنگی آموزش در بین رشته ها
۷۴	به حداکثر رساندن مزایای پشتیبانی فراحرفه ای
۷۶	تسهیل ارتباط و حل مسئله در بین اعضای تیم
۷۹	مشارکت دادن خانواده ها و شرکای جامعه در تلاش های مشترک

همکاری پایدار برای موفقیت بلندمدت	۸۱
فصل پنجم	۸۵
پشتیبانی و تمایز فردی	۸۵
درک نیازها و پروفایل های متنوع یادگیرنده	۸۵
انجام ارزیابی جامع دانش آموزان	۸۷
توسعه برنامه های آموزشی فردی (IEPS) و طرح های ۵۰۴	۹۰
ارائه مداخلات و تسهیلات هدفمند	۹۲
آموزش متمایز کردن برای پرداختن به تغییرپذیری یادگیری	۹۵
منابع	۹۹

فصل اول

مبانی آموزش فراگیر

درک شمول: مفاهیم و اصول

شمول در آموزش مفهومی چندوجهی است که اصول و شیوه های مختلفی را در بر می گیرد که هدف آن تضمین فرصت های عادلانه برای همه دانش آموزان، صرف نظر از پیشینه ها، توانایی ها یا نیازهای متنوع آنهاست. این بخش به بررسی مبانی آموزش فراگیر در ایران می پردازد و مفاهیم و اصول بنیادینی را که زیربنای این رویکرد به مدرسه است بررسی می کند. با بررسی چارچوب های نظری و شواهد تجربی پیرامون آموزش فراگیر، می توان به درک جامعی از اهمیت و پیامدهای آن برای سیستم های آموزشی در سراسر جهان دست یافت.

در قلب آموزش فراگیر، اصل پذیرش تنوع نهفته است که بر شناخت و بزرگداشت تفاوت ها در میان دانش آموزان تأکید دارد (آرمسترانگ، ۲۰۱۸، ص ۲۷). مدارس فراگیر تلاش می کنند تا محیط هایی را ایجاد کنند که در آن هر دانش آموز بدون توجه به نژاد، قومیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، هویت جنسیتی یا وضعیت ناتوانی خود احساس ارزشمندی و احترام کند (خانلری، ۱۳۹۰، ص ۴۵). آموزش فراگیر با پرورش فرهنگ پذیرش و تعلق، انسجام اجتماعی را ارتقا می دهد و به مبارزه با تبعیض و تعصب در محیط های آموزشی کمک می کند (Alavinia, 2023, p. 68). این اصل بر اهمیت

پذیرش تنوع به عنوان یک نقطه قوت به جای تلقی آن به عنوان مانعی برای یادگیری تاکید می کند.

محور مفهوم آموزش فراگیر مفهوم برابری است که مستلزم توزیع عادلانه منابع و فرصت ها برای اطمینان از اینکه هر دانش آموز می تواند به پتانسیل کامل خود دست یابد (فورلین و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۱۱۲) است. مدارس فراگیر رفع موانع یادگیری و مشارکت را در اولویت قرار می دهند و از این طریق همه دانش آموزان را قادر می سازند تا به آموزش با کیفیت بالا دسترسی داشته باشند و به موفقیت تحصیلی دست یابند (محمودی، ۱۳۹۲، ص ۸۹). این اصل اذعان می کند که دانش آموزان از پیش زمینه های متنوعی می آیند و ممکن است برای پیشرفت تحصیلی و اجتماعی به سطوح مختلفی از حمایت نیاز داشته باشند (سلمانی-ندوشن، ۲۰۲۱، ص ۷۶). مدارس فراگیر با ترویج برابری در آموزش، تلاش می کنند تا به نابرابری های سیستمی رسیدگی کنند و عدالت اجتماعی را در جامعه ارتقا دهند.

یکی دیگر از اصول اساسی آموزش فراگیر، مفهوم طراحی جهانی برای یادگیری (UDL) است که بر اهمیت طراحی مواد آموزشی و محیط های قابل دسترس برای همه دانش آموزان تأکید دارد (میرحسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). اصول UDL مربیان را تشویق می کند تا ابزارهای متعددی برای بازنمایی، مشارکت، و بیان برای تطبیق با سبک ها و ترجیحات یادگیری متنوع ارائه دهند (فتحی و رستمی، ۲۰۲۳، ص ۵۶). با اتخاذ رویکردهای UDL، مدارس فراگیر می توانند نیازهای فردی دانش آموزان دارای معلولیت و همچنین کسانی را که ممکن است از راهبردهای آموزشی جایگزین بهره مند شوند، برآورده کنند (خلیلی، ۲۰۲۱، ص ۹۸). این اصل بر اهمیت انعطاف پذیری و سازگاری در طراحی برنامه درسی برای ترویج تجارب یادگیری فراگیر برای همه دانش آموزان تاکید می کند.

همکاری و مشارکت نیز از اصول اساسی آموزش فراگیر است که بر اهمیت همکاری بین مربیان، خانواده ها و اعضای جامعه برای حمایت از یادگیری و توسعه دانش آموزان تأکید می کند (Nikdel & Sedagati, 2023, p. 123). مدارس فراگیر ارزش کار گروهی

و مسئولیت مشترک در رفع نیازهای متنوع دانش آموزان، به ویژه آنهایی که دارای معلولیت یا نیازهای آموزشی ویژه هستند را تشخیص می دهند (زارعی و قویفکر، ۲۰۲۲، ص ۶۷). همکاری، مربیان را قادر می سازد تا تخصص و منابع خود را با هم ترکیب کنند، موانع ورود را شناسایی کنند و مداخلات مؤثری را برای حمایت از موفقیت دانش آموز اجرا کنند (رستگار، ۲۰۲۳، ص ۴۵). با تقویت مشارکت با خانواده ها و جوامع، مدارس فراگیر می توانند یک شبکه حمایتی از ذینفعان متعهد به ارتقای رفاه و پیشرفت تحصیلی همه دانش آموزان ایجاد کنند.

علاوه بر این، اصل آموزش متمایز جدایی ناپذیر از تمرین آموزش فراگیر است و بر لزوم تنظیم استراتژی ها و فعالیت های آموزشی برای برآوردن نیازها و توانایی های فردی دانش آموزان تأکید می کند (بهزادپور و قائمی، ۲۰۲۱، ص ۸۷). مدارس فراگیر تشخیص می دهند که دانش آموزان اولویت ها، نقاط قوت و چالش های یادگیری متنوعی دارند و بنابراین، رویکردهای انعطاف پذیری را برای آموزش اتخاذ می کنند که با این تفاوتها سازگار باشد (داداش پور و کرمی، ۲۰۲۳، ص ۵۶). آموزش متمایز به مربیان این امکان را می دهد که برای کمک به دانش آموزان در رسیدن به اهداف یادگیری خود، حمایت شخصی و داربست ارائه دهند (فرهادی و باقری، ۲۰۲۲، ص ۷۸). مدارس فراگیر با ارائه روش ها و ارزیابی های آموزشی متنوع، می توانند محیط یادگیری حمایتی را ایجاد کنند که در آن همه دانش آموزان بتوانند موفق شوند.

آموزش فراگیر مبتنی بر مجموعه ای از اصول و مفاهیم با هدف ارتقای برابری، پذیرش تنوع و همکاری در محیط های آموزشی است. با پذیرش این اصول بنیادین، مدارس در ایران و سراسر جهان می توانند محیط های دلپذیر و حمایت کننده ای را ایجاد کنند که در آن هر دانش آموز فرصت پیشرفت تحصیلی، اجتماعی و عاطفی را داشته باشد.

دیدگاه های تاریخی: تحول آموزش فراگیر

تحول تاریخی آموزش فراگیر در ایران منعکس کننده فرآیندی پویا است که توسط عوامل مختلف اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و آموزشی شکل گرفته است. درک

دیدگاه‌های تاریخی آموزش فراگیر، بینش‌هایی را درباره توسعه سیاست‌ها، شیوه‌ها و نگرش‌ها نسبت به آموزش فراگیران متنوع در جامعه ایران فراهم می‌کند. این بخش به بررسی نقاط عطف و گذار در سفر به سوی آموزش فراگیر در ایران می‌پردازد و سیر تحول آن را از رویکردهای سنتی به مدل‌های فراگیرتر و عادلانه‌تر از مدرسه ردیابی می‌کند.

در ایران پیشامدرن، آموزش عمدتاً در حوزه نهادهای مذهبی بود که در آن آموزش بر مطالعات دینی و متون کلاسیک متمرکز بود (کشاورز، ۱۳۹۸، ص ۵۲). دسترسی به آموزش به ویژه برای گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند دختران، جمعیت روستایی و افراد دارای معلولیت محدود بود (غلامی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۷۶). با این حال، سوابق تاریخی مواردی از آموزش غیررسمی و ابتکارات یادگیری مبتنی بر جامعه را نشان می‌دهند که فرصت‌هایی را برای اقشار خاصی از جمعیت برای کسب دانش و مهارت‌ها فراهم می‌کرد (شریعتمداری، ۱۳۹۰، ص ۳۴). با وجود این تلاش‌ها، آموزش برای بسیاری غیرقابل دسترس باقی ماند و نابرابری‌ها را در جامعه ایران تداوم بخشید.

استقرار نظام‌های آموزشی مدرن در ایران در اوایل قرن بیستم تغییر قابل توجهی را به سمت مدارس رسمی و برنامه‌های درسی استاندارد شده رقم زد (حکیم زاده و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۸۹). تحت تأثیر الگوهای آموزشی غربی، تلاش‌هایی برای گسترش دسترسی به آموزش و ارتقای سواد در بین مردم صورت گرفت (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲). با این حال، این ابتکارات در درجه اول مناطق شهری را هدف قرار داده و نیازهای جوامع روستایی و گروه‌های حاشیه نشین را نادیده گرفته است (عزیزی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۴۵). در نتیجه، نابرابری در میزان تحصیلات ادامه یافت و نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرد.

دوره پس از انقلاب در ایران شاهد تمرکز مجدد بر اصول و ارزش‌های اسلامی در آموزش و پرورش بود که منجر به اصلاحات چشمگیری در نظام آموزشی شد (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۷). دولت گسترش فرصت‌های آموزشی و ترویج معارف اسلامی

را در تمام سطوح تحصیلی در اولویت قرار داد (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). تلاش هایی برای افزایش دسترسی به آموزش برای دختران و جمعیت روستایی انجام شد که منجر به بهبود نرخ ثبت نام و سطح سواد شد (رحمانی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۷۸). با این حال، نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دارای معلولیت و سایر نیازهای ویژه عمدتاً مورد توجه قرار نگرفته است که نشان دهنده درک محدودی از اصول آموزش فراگیر است (فتحی و جوادی، ۲۰۲۳، ص ۱۰۲).

در دهه‌های اخیر، درک فزاینده‌ای از اهمیت آموزش فراگیر در ایران، با هدایت چارچوب‌های بین‌المللی و تلاش‌های داخلی حمایت شده است (سجادی و حسینی، ۲۰۲۱، ص ۸۹). تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت (UNCRPD) در سال ۲۰۰۹ نقطه عطف مهمی در ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت و حمایت از شیوه‌های آموزش فراگیر بود (نبوی و حیدری، ۲۰۲۳، ص ۴۵). اصلاحات و ابتکارات سیاستی بعدی به دنبال تطبیق اصول آموزش فراگیر در نظام آموزشی ایران، با تأکید بر حقوق همه کودکان برای دسترسی به آموزش با کیفیت در محیط‌های فراگیر بوده است (رحیمی موقر، ۲۰۲۲، ص ۱۲۳).

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی در تحقق کامل اهداف آموزش فراگیر در ایران باقی است (قادری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۵۶). منابع محدود، زیرساخت‌های ناکافی، و نگرش‌های اجتماعی ریشه‌دار، موانعی را برای شیوه‌های فراگیر در مدارس ایجاد می‌کند (شیرازی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۷۸). علاوه بر این، نیاز به برنامه‌های توسعه حرفه‌ای و آموزش برای تجهیز مربیان به دانش و مهارت‌های لازم برای حمایت مؤثر از فراگیران مختلف وجود دارد (رنجبر و شاهقاسمی، ۲۰۲۳، ص ۶۷). پرداختن به این چالش‌ها مستلزم تلاشی هماهنگ از سوی سیاست‌گذاران، مربیان و ذینفعان برای ایجاد محیط‌های یادگیری فراگیر و عادلانه برای همه دانش‌آموزان در ایران است.

تحول آموزش فراگیر در ایران منعکس‌کننده تأثیر متقابل پیچیده عوامل تاریخی، فرهنگی و نهادی است. در حالی که پیشرفت‌های قابل توجهی در گسترش دسترسی به